

## تبیین رابطه گنبد مسجد و مراتب هستی در حکمت متعالیه<sup>۱</sup>

مرتضی شجاری\*

سونیا سیلوایه\*\*

### چکیده

گنبد مساجد چشم و دل را به بالا هدایت می‌کند و یادآور تعالی است. مرکز گنبد نماد وحدت و دیوارهای هشت وجهی که بر آن تکیه می‌زند نماد نظمی آسمانی و پایه‌های چهاروجهی نماد جهان خاکی است. در این مقاله کوشش شده است تبیینی از گنبد براساس حکمت صدرایی ارائه شود. در این حکمت عوالم به حس و خیال و عقل تقسیم می‌شود و گنبد مساجد تداعی‌کننده این عوالم است. مصالح فناپذیر گنبد که با چشم حس درک می‌شود یادآور عالم ماده است. دو شکل مکعب و کره در گنبد که از خیال هنرمند معمار پدید آمده است شبیه عالم خیال است و حالتی از جمع‌شدن است که از پایه گنبد (کثرت) شروع می‌شود و به نوک گنبد (وحدت) می‌رسد که جمع و ثبات عالم عقل تداعی می‌شود. هم‌چنان‌که ذات خداوند مبدأ عوالم هستی است، اگر کل فضای مسجد را همانند عالم و هر جزء از آن را همانند مرتبه‌ای از مراتب در نظر بگیریم، به این نکته دست می‌یابیم که همانند این عالم در مسجد نیز مبدائی وجود دارد؛ یعنی با عبور از در ورودی و حیاط به مبدأ یعنی فضای گنبدخانه می‌رسیم که در گنبدخانه نیز فضا به گنبد ختم می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** مسجد، گنبد، مراتب هستی، حکمت متعالیه، عوالم وجود.

\* استاد گروه فلسفه دانشگاه تبریز، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی (نویسنده مسئول)،

mortezashajari@gmail.com

\*\* دانشجوی دکتری معماری دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، S.silvayeh@tabriziau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۱۴

## ۱. مقدمه

گنبد از نمونه‌های برجسته معماری دینی در طول تاریخ است و به کارگیری آن در مساجد چنان استادانه و هنرمندانه انجام شده است که می‌توان آن را از ارکان کمال معماری مساجد اسلامی دانست. با توجه به این که اسلام دینی الهی و آسمانی است که برای هدایت انسان‌ها آمده است و از طرفی معماری مظهر تجلی اندیشه‌های انسان است و معماری مساجد اسلامی بیش از معماری هر بنای دیگری با غنی‌ترین ابعاد وجودی انسان در تعامل است، بنابراین پرداختن به اندیشه حاکم بر تفکر معمار مهم است. معماری مسجد و تزئینات آن در گنبد، کتیبه‌ها، نقوش، و ... فضایی را ایجاد می‌کند که باعث پیوند انسان با فضایی ملکوتی می‌شود. در مساجد می‌توان اوج اعتلا و شکوفایی هنر معماری مقدس اسلامی را جست‌وجو کرد. در واقع مسجد به عنوان تجلی‌گاه خداوند در عالم ماده متشکل از اجزایی است که هر جزء آن نماد یکی از اسمای الهی است. به عبارتی فضایی معنوی و مجموعه‌ای از هنرهای گوناگون می‌تواند در عروج انسان نقش به‌سزایی داشته باشد.

اسمای الهی در حکمت متعالیه موجودات عالم، یعنی تجلیات صفات الهی، هستند. این اسما دارای مراتبی‌اند که در قوس نزول از اولین تجلی خداوند، یعنی حضرت احدیت، آغاز می‌شود و به عالم کثرت (عالم ماده) می‌رسد و در قوس صعود از ماده آغاز می‌شود و با حرکت جوهری به عالم تجرد و سپس با حرکت جبری به عالم احدیت می‌پیوندد.<sup>۲</sup> در واقع مراتب کلی عالم را که تجلیات مختلف خداوندند می‌توان در انسان و مراتب مختلف وی، یعنی قوای آدمی، مشاهده کرد که جلوه‌ای از این مراتب در هنر اسلامی و به‌خصوص در مسجد و گنبد آن قابل مشاهده است، زیرا بنابر حکمت متعالیه آدمی جلوه کامل خداوند و امری ربانی و حقیقی الهی است که صلاحیت دارد به حقایق تمام اشیا معرفت یابد (صدرالدین شیرازی ۱۳۶۲: ۴۸۴). جلوه خلاقیت خداوند در انسان هنرمند تحقق یافته است و از این‌روست که معمار مسلمان می‌تواند مراتب هستی را در گنبد مسجد متجسم سازد و آن را به‌منصه ظهور رساند.

مسئله اصلی این پژوهش تحلیل گنبد مسجد و تبیین آن براساس حکمت متعالیه است. سابقه ساخت مسجد و گنبد به زمانی دراز پیش از ملاصدرا بازمی‌گردد، اما هم‌چنان که عالم هستی سابقه‌ای طولانی پیش از ملاصدرا داشته است و وی با فلسفه خاص خود چشم آدمیان را به دیدگاهی جدید از عالم هستی گشود، با استفاده از این فلسفه می‌توان تبیینی جدید از گنبد ارائه داد. پرواضح است که مسجد بنایی اسلامی است و از این دیدگاه،

جلوه‌گاه همه رمز و رازهای معماری اسلامی به‌شمار می‌آید. این نوع بنا متشکل از عناصری است که به‌واسطه قداست آن هر عنصر دارای معنایی روحانی است و دربین آن‌ها گنبد از نظر فضا و معنا یکی از مهم‌ترین اجزای مسجد است که این عنصر می‌تواند نقش خود را در زمینه شکل‌دهی مفهومی و نمادین در بنای مسجد به‌خوبی ایفا کند. بحث گنبد و چگونگی رابطه آن با مراتب هستی می‌تواند این اثر را در اذهان داشته باشد که گنبد شاخصه‌ای است که علاوه بر نقش کاربردی آن، یعنی پوشش سقف، نقش‌های دیگری از جمله اثر عمیق در معنادار کردن فضا را نیز برعهده دارد و باید اذعان کرد برای این‌که معماری برطبق تفکر اسلامی تفاوتی با معماری غیراسلامی داشته باشد باید به شاخص‌های اعتقادی و فرهنگی آن نیز توجه ویژه‌ای شود که همواره یاد خدا را در اذهان زنده نگه دارد. بنابراین هدف از بررسی دقیق این بنا شناخت عملکردها و مفاهیم نهفته در آن است که می‌تواند ما را به فهمی عمیق از کارکردهای فرهنگ اسلامی برساند. در روند این موضوع این سؤال مطرح می‌شود که در صورت وجود ارتباط میان پیکربندی فرم مساجد و مراتب هستی در حکمت متعالیه چگونه ارتباطی می‌تواند وجود داشته باشد؟ این ارتباط به چه صورت خود را نمایان می‌کند؟ با تفاسیری که در مورد هدف این تحقیق ذکر شد برای رسیدن به این مقصود لازم است در ابتدا به مسجد و معماری آن اشاره‌ای شود، سپس به بحث مراتب هستی در حکمت متعالیه توجه شود و ادامه مسیر تحقیق طی شود که از این راه بتوان به سؤال موردنظر پاسخ داد.

در مورد روش تحقیق می‌توان گفت که موضوع موردبررسی یکی از مباحث مهم در فلسفه و عرفان نظری و معماری اسلامی است. در بخش نظری با استفاده از روش مطالعه کتاب‌خانه‌ای و مراجعه به منابع موجود سعی می‌شود که به گردآوری اطلاعات و داده‌ها در مورد گنبد به‌عنوان یکی از شاخص‌های مطرح در معماری مسجد و همچنین به مباحث فلسفی مرتبط با موضوع موردنظر در حکمت متعالیه توجه شود. رابطه گنبد با مراتب هستی نیز به‌صورت تحلیلی بررسی شود. بنابراین در این تحقیق براساس روش بررسی منطقی و تکنیکی تحلیلی - توصیفی و با استناد به منابع کتاب‌خانه‌ای مبانی نظری یعنی تعاریف و مفاهیمی از مسجد، گنبد، و ... فرآوری می‌شود و پس از آن این مبانی و چگونگی آن از نظر ارتباط معنادار با مراتب هستی تحلیل می‌شود.

پژوهش‌های نسبتاً زیادی درباره ادبیات موضوع انجام شده است که می‌توان از آن‌ها بهره‌مند شد، ولی در مورد بررسی دقیق عنصر گنبد در معماری مساجد و مراتب هستی در

حکمت متعالیه از دیدگاه ملاصدرا و این که آیا می توان شباهت هایی را بین این دو بخش یافت کاری صورت نگرفته است. درباره بحث حکمت و درجهت بازنگری معماری سنتی با نگاهی به مفاهیم و حکمت های نهفته در آن تاکنون مطالعاتی از سوی اندیشمندان از جمله سیدحسین نصر و نادر اردلان انجام پذیرفته است. علاوه بر این موارد، می توان از پژوهش آقای محمدرضا بمانیان (و دیگران)، پژوهش آقای بهروز عوض پور (و دیگران)، و یا از پژوهش آقای علی ارشد ریاحی و صفیه واسعی نام برد. همچنین در همایش های بین المللی معماری باید پژوهش آقای محمدصادق شایق (و دیگران) را نیز ذکر کرد.

## ۲. مبانی نظری، بحث، و یافته ها

### ۱.۲ مسجد و معماری آن

مسجد محل مواجهه انسان با کلمه الهی و ساختمانی است که در آن مؤمنان حضور الهی را احساس می کنند و از فیض خداوند متعال بهره مند می شوند. چنین بنایی نقش بسیاری در زنده نگاه داشتن دین و دعوت مردم به سوی پروردگار دارد و به همین دلیل دارای اهمیت فوق العاده ای است. علاوه بر آن، مسجد در طول تاریخ اسلام مکانی برای حل و فصل بسیاری از اختلافات و نیز برگزاری بسیاری از مراسم ها بوده است و معماران هنرمند می کوشیدند تا با همه مهارت و کاردانی خود در ایجاد استحکام و زیبایی و فضای معنوی آن نقش داشته باشند (مقصودی ۱۳۸۷: ۳۷-۴۲). مسجد مرکز یکتاپرستی است که معماری آن از قرون اولیه اسلام تا به امروز تحولاتی را در خود داشته و به تدریج در ادوار اسلامی به تحقق کامل رسیده است. ورود اسلام به ایران و احتیاج به فضاهای عبادی مسلمانان را بر آن داشت که مساجدی را بنا کنند.

معماری مسجد باید کارکردهایی را که از مسجد انتظار می رود، مثل نمازگزاردن و امور ذی ربط، برآورده سازد؛ یعنی با احکام ظاهری و فقهی نماز متناسب باشد، ولی علاوه بر این تکلیف ظاهری نماز، امر باطنی آن یعنی موجبات معراج مؤمن را نیز باید میسر سازد. چنین نمازی نیازمند حضور قلب و جمعیت خاطر، دل شستن از کثرت و دل سپردن به وحدت، و آرامش و رقت قلب است. فضای معماری توانایی ایجاد زمینه برای چنین حالت هایی را دارد. معمار در همه شئون مادی (شامل موضوع و عملکرد بنا، مواد و مصالح، وجوه فنی، و شرایط محیطی) از ظاهر به باطن سیر می کند. متون دینی به ما می آموزند که متناظر با هر نیاز ظاهری جسم روح انسان هم نیازی دارد، بنابراین معمار این

سیر از ظاهر به باطن را که معنای حقیقی ذکر و جوهر عبادت است متناسب با موضوع بنا در معماری خود تسری می‌دهد (بهشتی ۱۳۸۹: ۲۳-۲۵). مسجد که بنای مذهبی اصلی اسلام است واجد کارکردهای متعددی است که والاترین کارکرد آن عبادت جمعی است. ساده‌ترین شکل مسجد از حیاطی مرکزی با رواق‌هایی احاطه‌کننده در اطراف آن تشکیل می‌شود که متصل به سرسرای سرپوشیده است. معماری مسجد تفاوتی را که بین شلوغی و ازدحام بازار و آرامش و سکوت مسجد وجود دارد به وضوح آشکار می‌کند. تغییر جهت به سوی مکه که غالباً به محض ورود به فضای مسجد ملاحظه می‌شود و بالأخره برای ورود به آن با عمل متواضعانه‌ای کفش‌ها را از پای درمی‌آورند نشان‌دهنده انتقال از زندگی دنیوی به عالم روحانی است (هیلن برند ۱۳۸۰). حقیقت امر این است که مسجد بنای الگویی بوده است که عالی‌ترین سازه‌ها را در معماری اسلامی به وجود آورده است، زیرا با این نیت ساخته شده است که باقی بماند، درحالی‌که بسیاری از بناهای غیرمذهبی ساختاری سست داشته‌اند.

**تفکیک دوره‌های تاریخی مساجد:** به دلیل این‌که مساجد در زمان‌های متفاوتی ساخته شده‌اند می‌توان آن‌ها را در بازه‌های تاریخی مختلفی جای داد و از یک‌دیگر تفکیک کرد، که این تقسیم‌بندی عبارت است از:

۱. از صدر اسلام تا عصر سلجوقیان: مساجد اولیه بناهایی بسیار ساده بودند که در محوطه‌ای مربعی یا مستطیلی شکل گرفتند. با مسدود کردن سه طرف آتش‌کده‌ها و ایجاد قبله‌گاه از آن‌ها برای برگزاری آئین‌های مذهبی استفاده می‌کردند؛

۲. از سلجوقیان تا پایان عصر تیموریان: در این دوره ساخت‌وساز بناهای گوناگون سرشار از تحرک بود. نقشه بناها اغلب چهارایوانی و تزئینات مهم آنان آجرکاری و گچ‌بری و کاشی‌کاری بود؛

۳. از صفویان تا دوران معاصر: در این دوره طراحی‌ها بسیار جامع و با فضایی متناسب با سطح زیربنا بود. هم‌چنین شیوه‌های اجرایی بناها از اصول فنی فراوانی برخوردار بود (کیانی ۱۳۸۷). با توجه به مطالعات صورت‌گرفته دسته‌بندی‌های متنوعی را در این مورد می‌توان نام برد که از سوی محققان دیگری به‌انجام رسیده است و ذکر همه آن‌ها خارج از حوصله بحث است؛ بنابراین از بیان آن‌ها صرف‌نظر می‌شود.

**ضوابط مسجدسازی امروز:** به‌طور کلی مساجد مدرن باید طبق اصولی ساخته شوند تا ضمن برآوردن نیاز اجتماعی از چشم‌گیری و معنویت خاص خود بهره‌مند

باشند و از این عظمت برای معنویت دین اسلام بهره‌گیری شود. شرایط عمومی مساجد عبارت‌اند از: ۱. مسجد در اماکن پرجمعیت و آباد ساخته شود؛ ۲. مساجد در فواصل معین و دور از هم ساخته شوند؛ ۳. مسجد در کنار خیابان و یا کوچه‌های عریض اصلی و معابر پر رفت‌وآمد ساخته شود؛ ۴. مسجد در زمین گسترده و چشم‌گیری ساخته شود و در طرح و اجرای فضاهای جنبی دقت کافی به عمل آید؛ ۵. مسجد در مرکز شهر و محلات ساخته شود و فضاهای لازم دیگر در اطراف آن طراحی شود. به‌طور کلی در مسجدسازی مدرن سه اصل مهم مدنظر است: اصل طراحی؛ اصل اساس‌سازی؛ و اصل نماسازی (زمرشیدی ۱۳۷۴). منظور از طراحی مواردی است که باید درباره آن‌ها تحقیق و بررسی انجام شود و براساس اطلاعات و واقعیات و نیازمندی‌ها و اهداف طراحی جامع ارائه شود. منظور از اساس‌سازی همان مهندسی سازه است، به‌گونه‌ای که قسمت‌های مختلف ساختمان براساس طرح مهندس طراح محاسبه شود و در آخر این‌که منظور از نماسازی توجه به مسئله زیبایی در طراحی و ساخت بناهاست. مساجد امروزی با رعایت این سه اصل باید اولاً از نظر سازه همانند بناهای مستحکم امروز طراحی و ساخته شوند و ثانیاً جواب‌گوی نیازهای جامعه با توجه به اصول زندگی اجتماعی امروز باشند.

**فضای کالبدی مسجد:** در طراحی کالبد مساجد از تناسب قوی هندسی استفاده شده است. طبق مطالعات صورت گرفته می‌توان اجزای کالبدی مساجد را با پانزده جزء در نظر گرفت که عبارت‌اند از: ۱. ورودی یا درآیگاه؛ ۲. کرباس یا هشتی؛ ۳. میان‌سرا و پیشگاه درونی مسجد (صحن)؛ ۴. ایوان؛ ۵. پیشان یا ایوان سمت قبله؛ ۶. رواق؛ ۷. شبستان؛ ۸. گنبدخانه؛ ۹. مقصوره؛ ۱۰. طنبی؛ ۱۱. سرداب یا شبستان زیرزمینی؛ ۱۲. مهتابی؛ ۱۳. پیشخان یا جلوخان؛ ۱۴. مناره و گل‌دسته؛ و ۱۵. برف‌انداز (پیرنیا ۱۳۸۴). در واقع مسجد مجموعه‌ای از هنرهای گوناگون است که بر روی هم فضا و مکان خاصی را پدید آورده‌اند. معماری آن متناسب با شرایط اقلیمی، مصالح در دسترس، و تحت تأثیر سنن و دیگر خصوصیات محلی شهروندان یا ساکنان هر منطقه شکل گرفته است. دین اسلام نیز رهنمودهایی در این زمینه دارد که می‌توان به سادگی بنای مسجد، به‌دوربودن از پیرایه‌های مادی، اصالت، و محکم‌سازی بنای مسجد اشاره کرد. طراحی مسجد باید به‌گونه‌ای باشد که به تضاد میان فضای داخل و خارج توجه شود، بدین صورت که اجزا و نقوش بنا در بیرون برای مشاهده و سیر در اشارات باشد و درون نیز مکانی برای تفکر و مکاشفه در عالم درون باشد.

## ۲.۲ گنبد

در فرهنگ اسلامی گنبد تجلی زنده‌ای از جهان‌شناسی اسلامی است (مطهری ۱۳۸۷: ۶۶۷). گنبد از چند بخش تشکیل شده است: در ابتدا پایه‌ای مربعی شکل است که با گوشه‌سازی‌ها و به تدریج تبدیل به دایره می‌شود. دو ویژگی ذاتی مربع یعنی ایستایی و ثبات آن را مناسب‌ترین صورت برای برپایی بناهایی قرار می‌دهد که مقرر است نماد ثبات باشند. مربع نماینده بی‌جنبش‌ترین شکل‌ها و کمیت محسوب می‌شود، در حالی که دایره نماینده آسمان، کمال، و کیفیت به حساب می‌آید (بلخاری قهی ۱۳۸۵: ۵۰۶-۵۰۸). با معانی سمبلیک، مفاهیم مرکز، دایره، و کره نهفته در گنبد به تمامیت در عبور این روح از نوک گنبد سمبل وحدت است. این عبور و حرکت را می‌توان به طرف پایین و دارای انبساط به سمت کثرت یا به طرف بالا و دارای انقباض به سمت وحدت دانست. عنصر گنبد یکی از سمبل‌های مهم در معماری مسجد است که وحدت در کثرت در آن به وضوح قابل مشاهده است (حسینی و کاملی ۱۳۹۳: ۱۴۷-۱۶۰). گنبد درهم‌آمیزی هندسه با توازن را، که به صورتی فضایی است نه خطی، نشان می‌دهد. گنبد در معماری اسلامی چهره‌ای دیرینه داشته است؛ این امر به‌ویژه در معماری آجری ایرانی نیز بوده است که این شیوه به‌تکامل رسیده و دارای برخی اصول فنی نیز شده است که آن را از نظایرش در هنر غرب متمایز ساخته است. گنبد با روح منطبق می‌شود که از نقطه اولی و کانون وجود برمی‌خیزد (بورکهارت ۱۳۶۵: ۸۶). به‌طور کلی اصلی‌ترین ساحت مسجد فضای گنبدخانه است که جلوه‌گاه جمال خداوند است و مشاهده آن از پس روزنه هشتی میسر می‌شود و نمازگزار همه مسیر جلوخان و پیش طاق درگاه تا هشتی ورودی را طی می‌کند و در نهایت هنگامی که به حیاط می‌رسد گنبدخانه را به‌مثابه مرکز بنا می‌یابد.

**نقش گنبد در مساجد:** بیان معنویت و روحانیت برای حواس انسان ممکن نیست، بنابراین انسان همواره در پی یافتن راه‌هایی برای بیان، نمایش، انتقال، و ادراک این موضوعات بوده است. در این مسیر یکی از اصلی‌ترین ابزارها جهت انتقال و بیان معنا و معنویت استفاده از هنر است. نمونه‌های بارز پرداختن به هنر را می‌توان در شعر، خوش‌نویسی، موسیقی، نقاشی، و معماری ملاحظه کرد، که در بحث معماری در برخورد با طاق‌ها و گنبدها، که از اجزای معماری ایرانی محسوب می‌شوند، حضور معنویت قابل استناد است. طبق نظر گنون گنبد شکلی است که تصویرپردازی زنده و حیاتی دارد. فرم‌های گنبدی شکل همواره در ذهن بیننده یکی از قدرت‌های

آسمانی به‌شمار می‌آید که در دل آن‌ها معنای هستی نهفته است و آن را می‌توان با تعریف عالم کبیر و صغیر دریافت (گنون ۱۳۸۱: ۷۲-۷۷). به‌طور کلی گنبد علامتی برای مسجد است که نقش مونومانی، معنایی، و شکوه‌سازی دارد و واجد تصویرپردازی زنده و حیاتی است، به‌گونه‌ای که در طول تاریخ فرم‌های گنبدی همواره از قدرت‌های متافیزیکی به‌شمار می‌آمده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که ساخت گنبد صرفاً برای احتیاجات مکانیکی و فنی نبوده و برآوردنده احتیاجات معنوی و روانی نیز به‌شمار می‌رفته است.

**پیشینه گنبد:** پوشش گنبدی در ایران دارای سابقه‌ای دیرینه است. پیشینه آن را به عهد اشکانی رسانده‌اند. ایرانیان برای جامه عمل پوشاندن به توصیه‌های پیامبر آسمانه یا گنبدی شبیه آسمان برفراز سر مسلمین برپا داشتند. ساخت گنبد در دوره اسلامی با نظمی دقیق و با به‌کاربردن شیوه‌های صحیح صورت می‌گیرد که در عهد سلجوقی به‌نهایت پیشرفت خود می‌رسد و در عصر صفویه زیبایی نیز به آن افزوده می‌شود. نخستین گنبد پس از اسلام را می‌توان در سال ۳۹۷ قمری در گنبد قابوس دید. گرچه از اوایل دوران اسلامی تاکنون در گوشه‌سازی‌ها تحولاتی چند صورت گرفته است، روش گنبدسازی در ایران همواره ویژگی اجرایی و فرهنگی خاص خود را دنبال کرده است (احمدی ملکی ۱۳۷۸: ۲۰)، بدین صورت که پلان مربعی از طریق گوشه‌سازی‌هایی به بهترین صورت به گنبد تبدیل شده است. شکل گنبد به وحدت و نرمی محیط کمک می‌کند که این امر می‌تواند پاسخ‌گوی مناسبی به نیاز وحدت در نماز باشد (پورجعفر و دیگران ۱۳۹۰: ۲۸-۳۲). به‌طور کلی می‌توان گفت استفاده از گنبد علاوه‌براین که در بناهای فرهنگی و مذهبی به‌عنوان نشانه و شاخص معماری - شهری و فرهنگی محسوب می‌شود، در دیگر بناها نیز به‌عنوان نماد معماری از موضوعات مهمی است که ذهن معماران ایرانی را به خود مشغول ساخته است. به‌کارگیری گنبد در بناهای سنتی - مذهبی با چنان استادی مهارتی انجام شده است که بسیاری از معماران ایرانی بهره‌گیری از گنبد در ساخت بنا را نوعی کمال معماری آن می‌دانند.

**مرکزیت در گنبد:** در گنبد شاخص‌هایی وجود دارد که باعث می‌شود حس مرکزیت در آن تجلی پیدا کند. این شاخص‌ها به دو دسته مفهومی و نمادین تقسیم می‌شوند. شاخص‌های مفهومی در درون آدمی به‌وقوع می‌پیوندند؛ یعنی شاخص‌هایی‌اند که به‌دیده نمی‌آیند، بلکه تحول را در درون بیننده اثر ایجاد می‌کنند. ولی شاخص‌های نمادین واضح و روشن‌اند؛ یعنی به‌محض ورود به مسجد با اثرشان در فرد بیننده مرکزیت را القا



می‌کنند. این شاخص‌ها عبارت‌اند از: ۱. نور: یکی از اموری که در مساجد به آن توجه می‌شود به‌منصه بروز رساندن تجلی و تالو نور در مرکز است که بدان وسیله ماده‌زدایی، جهت تأویل آن جهانی‌بودن و گستره بی‌پایان فضا، به‌نمایش گذاشته شود؛ ۲. درون‌گرایی: درون‌گرایی در جست‌وجوی حفظ حریم محیطی است که در آن شرایط کالبدی با پشتوانه تفکر، تعمق، و عبادت به‌منظور یافتن آرامش اصیل در درون به‌نظمی موزون و متعالی رسیده است؛ ۳. سکون و آرامش: در این زمینه نصر (۱۳۷۵) معتقد است که سکون و آرامش در فضای مسجد متجلی‌کننده حضور آرامش‌بخش «کلمه الله» است که در همه‌جای مسجد طنین دارد؛ ۴. دایره گنبد: دایره کامل‌ترین شکل هندسی است و از هر جهت نسبت به مرکز قرینه است. نقطه در مرکز دایره دربردارنده تمامیت و یک‌پارچگی شعاع‌ها و خطوطی است که از مبنایی مشترک و هماهنگ با یک‌دیگر نشئت می‌گیرند. تمامیت و یک‌پارچگی خطوط در این نقطه مرکزی در اوج کمال خویش است؛ ۵. محور عمودی: توجه به محوریت عمودی که حول یک مرکز به فضاها انسجام می‌بخشد از ساختارهای نظام فضایی عالم است. مرکز با تمثل به محور عمودی سیر صعودی را محقق می‌سازد.

گنبد چشم و ذهن را به یک سمت می‌برد و ارتفاع بلند آن تعالی را یادآور می‌شود. مرکز گنبد نماد اصل وحدت و در سطحی پایین‌تر نماد روح است و دیوارهای هشت‌وجهی که بر آن تکیه می‌زند نماد نظمی آسمانی و پایه‌های چهاروجهی نماد زمین و جهان خاکی است (همان). بنابراین می‌توان گفت که توجه خاص به اشکال گنبدی در طراحی و ساخت صرفاً جهت احتیاجات مکانیکی و فنی نبوده است، بلکه برآورنده توقعات و احتیاجات معنوی نیز به‌شمار می‌آید.

## ۳.۲ مراتب هستی در حکمت متعالیه

حکمت متعالیه یکی از سه شاخه فلسفه اسلامی و به‌منزله مکتب خاصی از حکمت اسلامی است که ملاصدرا بنیان گذاشته است. ملاصدرا حکمت متعالیه را نظم‌دهی عقلی به جهان به‌میزان توان آدمی در شبیه‌شدن به باری تعالی معرفی می‌کند. با تعمق در معماری سنتی ایرانی کم‌توجهی به اصول و تفکر ویژه پنهان در حکمت اسلامی ایران آشکار می‌شود که این می‌تواند موجب بیگانگی معماری معاصر ایران با بنیادهای مفهومی آن شود. بنابراین، برای ظهور این مفاهیم در بناهای معاصر واکاوی در اصول معماری سنتی و بازشناسی اهدافی که در جهت حفظ ارزش‌های مفهومی استخراج شود لازم است. برای بررسی و

شناخت مفاهیم مستتر در معماری اسلامی می‌توان از دیدگاه هستی‌شناسی ملاصدرا استفاده کرد که در حکمت متعالیه مطرح شده است.

تفاوت هستی‌شناسی ملاصدرا با فلسفه‌های پیش از وی در مبانی خاص حکمت متعالیه مانند اصالت وجود، وحدت وجود، حرکت جوهری، و رابطه علت و معلول است. براساس اصالت و وحدت شخصی وجود<sup>۳</sup>، حقیقت اصیل یک وجود (حق تعالی) است و تمامی عوالم جلوه‌های مختلف آن حقیقت و معلول اویند. از نظر ملاصدرا عوالم هستی به سه عالم کلی تقسیم می‌شود: عالم عقل، عالم خیال یا مثال، و عالم ماده که مبدأ این عوالم ذات خداوند است. پایین‌ترین مرتبه هستی عالم ماده است. اهمیت این عالم در حکمت متعالیه به دلیل ویژگی مهم آن یعنی «حرکت» است که به معنای تغییر تدریجی فقط در عالم ماده امکان‌پذیر است و این خصوصیتی است که موجب می‌شود آدمی به کمال رسد. از این رو دیدگاهی که عالم ماده را عالمی پست می‌داند در حکمت متعالیه پذیرفتنی نیست. عالم ماده، چنان‌که پیامبر (ص) فرموده‌اند (ورام ۱۳۹۰)، بسان مزرعه برای بذر وجود آدمی است. عالم میانی در هستی که بین عالم عقل و عالم ماده است «عالم خیال»، «عالم مثال»، و «عالم برزخ» نامیده می‌شود. موجودات این عالم ماده ندارند، اما دارای آثار ماده (مانند شکل و بعد) هستند؛ شبیه آنچه ما در خواب و در عالم خیال خود می‌بینیم. این عالم در سیر نزولی هستی (آفرینش) و در سیر صعودی (بازگشت و معاد) واسطه بین عالم عقل و عالم ماده است؛ یعنی در آفرینش، معلول عالم عقل و علت عالم ماده محسوب می‌شود. این عالم، چون علت عالم ماده است، از وجودی برتر از عالم ماده برخوردار است. عرفا و فیلسوفان نسبت این عالم را با عالم ماده به نسبت این دنیا با دنیای جنین تشبیه می‌کنند. بنابراین عالم خیال عالمی حقیقی است که در آن حقایق اشیا به گونه‌ای میان تجرد محض و مادیت صرف قرار دارند. از این رو ملاصدرا موجودات این عالم را «مجرد مثالی» نامیده است که از سویی با موجودات عالم ماده وجه اشتراک دارند و از سوی دیگر شبیه عقول مجرد‌اند. عالم عقل عالمی است که بی‌واسطه از ذات حق تعالی ایجاد شده است. موجودات عقلی ماده و هیچ‌یک از آثار ماده را ندارند. این عالم برترین جلوه ذات الهی و علت عوالم بعدی است. موجودات این عالم «عقول مجرد»، «عقول مفارق»، و «مجردات تام» نامیده می‌شوند، همان موجوداتی که در متون دینی از آنها به «فرشتگان مقرب» یاد می‌شود. مرتبه عقل در انسان برترین جلوه نفس آدمی است که ویژگی‌هایی شبیه به عقول مجرد دارد. نفس آدمی در این مرتبه می‌اندیشد. از آن‌جاکه اندیشیدن نوعی آفرینش است، نفس را در این مرتبه می‌توان خالق افکار و اعمال اختیاری دانست.

صدرالمتألهین اثبات عالم عقل را از بزرگ‌ترین مطالب قرآنی دانسته است، بدان دلیل که آن عالم محل بازگشت نفوس بندگان به‌ویژه عقول و ارواح پاک ماست. این عالم مجرد از ماده و خواص مادی است و عالم وحدت و جمع و ثبات است (صدرالدین شیرازی ۱۳۷۸). عالم عقول به‌لحاظ مرتبه وجودی دارای دو نوع کثرت طولی و عرضی است. در کثرت طولی عقول در طول یک‌دیگر قرار دارند و بین آن‌ها رابطه علت و معلولی برقرار است؛ اما در کثرت عرضی بین عقول رابطه علت و معلولی برقرار نیست، بلکه عقول عرضی از آخرین عقل به‌وجود آمده‌اند و همه در عرض هم و معلول علتی واحدند (صدرالدین شیرازی ۱۳۷۱: ۲۳۲). باید به این امر توجه کرد که همان‌گونه که برای هستی سه مرتبه در نظر گرفته شده است برای انسان نیز سه نوع ادراک عنوان می‌شود: ادراک حسی (حواس ظاهری قوایی هستند که امور خارجی را درک می‌کنند. انواع حواس ظاهری عبارت‌اند از: حس بینایی، حس لامسه، حس چشایی، حس بویایی، و حس شنوایی)؛ ادراک خیالی (ادراکات بیرونی انسان به‌وسیله حواس پنج‌گانه حاصل می‌شود و ادراکات درونی شامل حس مشترک، خیال، حافظه، متخیله، و واهمه است. خیال خزانه صورت‌هایی است که از طریق حس مشترک وارد ذهن می‌شود و حافظه خزانه مفاهیم و معانی است)؛ و ادراک عقلی (شرط ادراک عقلی شیء خارجی این است که حقیقت آن شیء را از گونه وجود جسمانی به گونه وجود عقلی تجرید کند).

## ۴.۲ شباهت گنبد مسجد با مراتب هستی

با در نظر گرفتن مراتب هستی می‌توان شباهت‌های گنبد مساجد را با آن بررسی کرد که در این مرحله برای بررسی چگونگی این شباهت‌ها باید ویژگی‌های گنبد را در نظر آورد و آن را با ویژگی‌های عوالم ذکر شده در حکمت متعالیه مقایسه کرد.

**عالم حس و مصالح گنبد:** اولین موضوع مورد بحث عالم حس (یا همان عالم طبیعت) است. در این مورد ابتدا گنبد را ذکر می‌کنیم که جزئی از کالبد بناهای مختلف معماری است و از مواد و مصالحی تشکیل شده است که به‌طور معمول آکنده از کاشی‌کاری‌هایی مزین به رنگ است و حس بینایی انسان آن را درک و فهم می‌کند. می‌توان گفت گنبد عالم احساس را در خود دارد که برای صدق این گفتار لازم است این‌گونه ذکر شود که عالم احساس مبدأ و منشأ عالم طبیعت (فناپذیر) است که توسط

یک یا چند حس قابل احساس است که با درک محسوسات در این عالم قرار می گیرد؛ بنابراین حواس جزء این عالم محسوب می شوند، پس گنبد که با یکی از این حواس (بینایی) قابل درک است و متشکل از مصالح فناپذیری هم چون آجر و ... است این مرتبه از عالم را در خود دارد.

**عالم خیال و هندسه گنبد:** برای دومین موضوع مورد بحث باید این گونه عنوان کرد که شکل گنبد خلاصه شده ای از دو شکل هندسی مکعب و کره است؛ یعنی گنبد دستاوردی از پلان مربعی یک مکعب است که به صورت تدریجی با کره تلفیق شده است و حاصل آن گنبد است. گنبد دوار به نوعی نماد آسمان و مقصد عروج روح انسان نمازگزار است و مربعی که در زیر آن قرار گرفته است نماد عالم ارض و حدود است. بنابراین، برای بررسی چگونگی رابطه عالم خیال با گنبد مکعب و کره را بررسی می کنیم.

۱. ذات عالم مثال از دنیا جداست، ولی در عین حال به آن تعلق دارد. در عین این که این دو شکل هندسی در بحث تشکیل گنبد در این عالم به طور واقعی وجود ندارند و از دنیا جدایند، به صورت خیالی در ذهن متصور می شوند که به نوعی به این دنیا متعلق اند؛

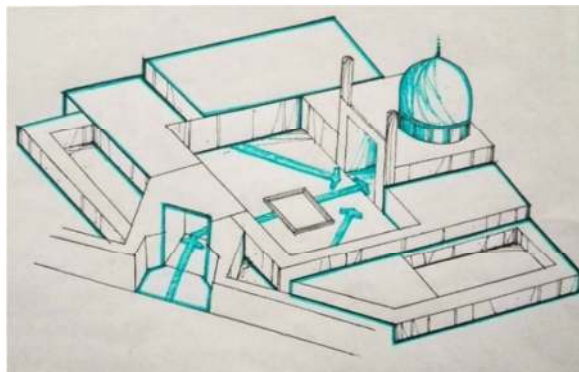
۲. عالم خیال شباهت زیادی به قوه تخیل خیال انسان دارد، از طرفی در گنبد هم همین حالت برقرار است، زیرا دو شکل مذکور از قوه تخیل حاصل می شوند؛

۳. از دیگر خصوصیات این عالم جمع متقابل ها و اضداد است که در آن اتفاق می افتد. اگر در گنبد نیز به این دو شکل هندسی دقت کنیم جمع اضداد در آن ها به چشم می آید؛ یعنی اگرچه این دو به طور کامل با هم در تضاد نیستند، از جهات محدودی با هم متضادند، از جمله این که مکعب دارای زوایای قائمه است، ولی کره هیچ گونه زاویه ای ندارد، در حالی که این دو با یکدیگر نیز جمع شده اند و گنبد را ایجاد کرده اند. این همان حالتی است که در عالم خیال صورت می گیرد (یعنی جمع اضداد). با ذکر این چند مورد می توان عنوان کرد که گنبد عالم خیال را نیز در خود دارد.

**عالم عقل و گنبد:** ۱. در این عالم از صورت های متمایز ماده خبری نیست، بلکه صورت های عقلی خیلی از متفرق ها را متحد می کنند و در خود جای می دهند؛ یعنی عالم وحدت و جمع و ثبات است. حال، اگر به گنبد دقت کنیم، متوجه می شویم که حالتی از جمع شدن صورت می گیرد که از پایه گنبد (کثرت) شروع می شود و به نوک گنبد (وحدت) می رسد؛ همان جمع و ثبات عالم عقل است که اتفاق می افتد؛ یعنی در گنبد نیز این عالم وحدت بر اثر حرکت از پایه به نوک صورت می گیرد؛ ۲. علاوه بر این موضوع، این عالم

شامل تحریک‌ها و شوق‌هایی است که در نفس ایجاد می‌شود. حال، اگر به فضای تهی و خالاً زیر گنبد دقت شود، به‌نوعی حس حضور روح خداوند را در دل زنده می‌کند؛ یعنی هنگامی که کسی وارد مسجد می‌شود، همین تهی‌بودن و سادگی فضا توجه را به‌سوی پروردگار جلب می‌کند که به‌چشم ظاهر نمی‌آید. علاوه‌براین وقتی ذهن متوجه مرکز می‌شود نوعی درون‌گرایی و مرکزیت حاصل می‌شود که نتیجه آن نیز همان یاد خداست که این زنده‌کردن یاد خدا در دل آدمی باعث ایجاد شوروشوقی خاص است که در دل هر فرد مسلمانی امکان تجربه آن وجود دارد. با ذکر این دو مورد می‌توان گفت که گنبد به‌نوعی مرتبه عالم عقل را نیز در خود دارد.

**مبدأ عوالم و مراتب و گنبد:** ذات خداوند مبدأ تمامی عوالم است؛ یعنی هر عالمی جلوه‌ای از ذات حق تعالی است. چنین ذاتی همان حقیقت وجود نامتناهی است که هیچ حد و ماهیتی ندارد؛ از این رو قابل شناخت عقلانی نیست، زیرا اندیشیدن و درک‌کردن چیزی احاطه علمی یافتن بر اوست و آدمی که معلول خداوند است نمی‌تواند بر علت خود احاطه یابد (صدرالدین شیرازی ۱۳۶۳: ۲۲-۲۳). در این مسیر، برای رسیدن به ذات حق تعالی فقط می‌توان با سیر و سلوک عرفانی و فنای نفس به هدف دست یافت. ذات نفس آدمی نیز مبدأ تمامی مراتب و قوای نفسانی است؛ یعنی هر مرتبه و قوه‌ای از نفس جلوه‌ای از آن است، هم‌چنان‌که ذات خداوند مبدأ تمامی عوالم است (شجاری ۱۳۹۴: ۹۰-۹۳). از نظر ملاصدرا انسان مخلوقی است که از قوه حیوانی خلق شده است که با حرکت جوهری خود در نشأت وجودی متعدد مراحل نطفه‌ای، نباتی، و حیوانی را پشت سر گذاشته است و سپس با دمیده‌شدن روح الهی به زیور فتبارک الله احسن الخالقین آراسته شده است؛ بنابراین ذات نفس با حرکت جوهری می‌تواند به مقام بی‌حدی نائل آید که به آن مقام فوق مجرد می‌گویند (صدرالدین شیرازی ۱۳۶۳: ۲۸۰-۲۹۱). پس توجه به این امر حائز اهمیت است که در نهایت مراتب عوالم ذات خداوندی در مبدأ قرار گرفته است و در نهایت قوای نفسانی ذات انسان در مبدأ قرار دارد. حال، اگر این شرایط را به‌طور کلی در ساختمان گنبد در آن واقع شده است (یعنی مسجد) بررسی کنیم و کل فضای مسجد را همانند عالم در نظر بگیریم که هر جزء از مسجد (ورودی، حیاط، ایوان، و ...) نیز همانند مرتبه‌ای از مراتب است، به این نکته دست می‌یابیم که همانند این عالم در مسجد نیز مبدائی وجود دارد؛ یعنی در نهایت قصد این است که با عبور از در ورودی مسجد و حیاط و ... به مبدأ یعنی فضای گنبدخانه برسیم که در گنبدخانه نیز فضا به گنبد ختم می‌شود.



تصویر ۱. گنبد: مبدائی برای مسجد (منبع: نگارندگان)

### ۳. نتیجه گیری

در این پژوهش گنبد از دیدگاه حکمت متعالیه بررسی شد، بدین صورت که مراتب هستی (سه عالم حس، خیال، و عقل) هرکدام به طور جداگانه با گنبد مقایسه شدند. با توجه به ویژگی‌هایی که در هرکدام از این عوالم برقرار بود و با مقایسه‌ای که در گنبد صورت گرفت، شباهت‌هایی از این ویژگی‌ها در گنبد نیز قابل دریافت بود؛ یعنی همان‌طور که در بالا ذکر شد، گنبد در جایگاه خود هرکدام از این عوالم را به گونه‌ای نهفته در درون خود دارد. از طرفی در حکمت متعالیه اعتقاد بر این است که مبدأ تمامی سه عالم ذکر شده ذات خداوند است و مبدأ تمامی قوای نفسانی نیز ذات آدمی است. در مسجد نیز این گونه بیان شد که مبدأ این بنا همان فضای گنبدخانه و گنبد است. در توضیح این نظر می‌توان عنوان کرد که به نظر می‌رسد اصلی‌ترین ساحت مسجد فضای گنبدخانه است (که مشاهده آن از پس روزنه هشتی میسر می‌شود)، زیرا فضای گنبدخانه قلب مسجد است که نمازگزار (با قصد عبادت) همه مسیر جلوخان، پیش‌طاق درگاه تا هشتی ورودی را طی می‌کند و در نهایت هنگامی که به حیاط می‌رسد گنبدخانه را به مثابه مرکز بنا می‌یابد که در آنجا به عبادت پردازد. در کالبد گنبدخانه نیز مربع نماد ارض و عالم و ملک و دایره نشانه آسمان و عالم ملکوت است (گنبد مظهري از آسمان است)، که حکایت از عروج و طی مراتب کمال را دارد. بنابراین اصلی‌ترین بخش گنبدخانه نیز همان گنبد است. پس، با تحلیل‌ها و بررسی‌های صورت گرفته در مسجد گنبد در مبدأ قرار دارد؛ یعنی هنگامی که فردی وارد مسجد می‌شود، مقصد او، با عبور از درگاه و رواق و حیاط و ...، همان بخش

گنبدخانه است که قصد عبادت در آن فضا را دارد. بنابراین مبدأ تمامی اجزای مسجد و کنار هم قرار گرفتن این اجزا برای این منظور است که واردشونده به گنبدخانه دسترسی پیدا کند که در گنبدخانه نیز گنبد حد نهایت و تکمیل‌کننده فضا است. در پایان باید گفت برای این که بنای معماری ماندگار باشد باید بعد وجودی معماری بر بعد ماهوی آن ارجحیت یابد. به عبارت دیگر در بنای شاخص معماری باید به دنبال به ظهور رساندن جنبه نامحسوس عالم معنا در امر محسوس ماهیت بود که برای رسیدن به این هدف اصول مفهومی باید در قالب کالبد معماری جای گیرد، به عبارتی در بنای ماندگار معماری شایسته است از عناصری نمادین و استعاره‌هایی برای الهام‌بخشی مفاهیم متعالی و جلب توجه مخاطب به وجود محض (نظیر آن که پیش‌تر در بحث گنبد و چگونگی آن ذکر شد) استفاده شود.

## پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله مستخرج از درس «حکمت معماری اسلامی» دوره دکتری معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز، در سال ۱۳۹۵ با راهنمایی نگارنده اول است.
۲. برای آگاهی از حرکت حبی، بنگرید به شجاری ۱۳۹۴: ۲۴۵-۲۴۴.
۳. در بحث از «وحدت وجود» ملاصدرا ابتدا بر وحدت تشکیکی وجود برهان اقامه کرده است، قولی که واسطه میان قول به تباین موجودات (قول فیلسوفان مشائی) و قول به «وحدت شخصی وجود» (قول ابن عربی) است؛ اما وی در مباحث علت و معلول به تعبیر خویش فلسفه را تکمیل کرد و بر وحدت شخصی وجود برهان اقامه کرد (صدرالدین شیرازی ۱۹۹۰: ج ۲، ۳۰۱).
۴. عوالم هستی در فلسفه مشائی منحصر به دو عالم حس و عقل است و شیخ اشراق عالم خیال را اثبات کرد. ملاصدرا را می‌توان به نوعی متأثر از شیخ اشراق و ابن عربی در اضافه کردن عالم خیال دانست. البته عالم خیال در عرفان ابن عربی معمولاً عالم ملکوت نامیده می‌شود (برای آگاهی از مراتب عالم در عرفان نظری، بنگرید به شجاری ۱۳۸۸: ۱۵۲-۱۵۴).

## کتاب‌نامه

- احمدی ملکی، رحمان (۱۳۷۸)، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد: گذشته حال - آینده، ج ۱، تهران: دانشگاه هنر.
- ارشاد ریاحی، علی، و صفیه واسعی (۱۳۹۰)، «ارتباط مراتب وجود با مراتب ادراک از نظر ملاصدرا»، مطالعات اسلامی؛ فلسفه و کلام، دوره ۴۳، ش ۲.

- بلخاری قهی، حسن (۱۳۸۵)، «جایگاه کیهان‌شناختی دایره و مربع در معماری مقدس اسلامی»، در: مجموعه مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، تهران: رسانه پرداز.
- بمانیان، محمدرضا، متین جلوانی، و سمیرا ارجمندی (۱۳۹۵)، «بررسی ارتباط میان پیکربندی فضایی و حکمت در معماری اسلامی مساجد مکتب اصفهان»، مطالعات معماری ایران، دوره ۱، ش ۹.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۶۵)، هنر اسلامی: زبان و بیان، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- بهشتی، سیدمحمد (۱۳۸۹)، مسجد ایرانی مکان معراج مؤمنین، تهران: روزنه.
- پورجعفر، محمدرضا، آرین امیرخانی، و محمدرضا لیلیان (۱۳۹۰)، معماری مساجد مدرن و معاصر، تهران: طحان.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۴)، آشنایی با معماری اسلامی ایران، تهران: سروش دانش.
- حسینی، سیدباقر و محسن کاملی (۱۳۹۳)، «تأثیر عناصر کالبدی معماری مساجد سنتی و مدرن ایران بر ذهن کودکان»، پژوهش‌های معماری اسلامی، س ۱، ش ۲.
- زمرشیدی، حسین (۱۳۷۴)، مسجد در معماری ایرانی، تهران: کیهان.
- شایق، محمدصادق، محمد پروا، و فرزانه حسینی (۱۳۹۴)، «حکمت ساخت گنبد در مساجد»، همایش بین‌المللی معماری - عمران و شهرسازی در هزاره سوم، تهران.
- شجاری، مرتضی (۱۳۹۴)، انسان در حکمت صدرایی، قم: معارف.
- شجاری، مرتضی (۱۳۹۵)، جزوه درسی «حکمت معماری اسلامی»، دوره دکتری معماری اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، دانشکده معماری و شهرسازی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا) (۱۳۶۲)، مبدأ و معاد، ترجمه احمد بن محمد الحسینی اردکانی، به کوشش عبدالله نورانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا) (۱۳۶۳)، اسرار الآیات، ترجمه محمد خواجوی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا) (۱۳۷۱)، مفاتیح الغیب، ترجمه محمد خواجوی، تهران: مولی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا) (۱۳۷۸)، رساله شواهد الربوبیه، ترجمه حامد ناجی اصفهانی، تهران: حکمت.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا) (۱۹۹۰)، الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعة العقلیة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عوض پور، بهروز، بهمن نامور مطلق، و ساینا محمدی خبازان (۱۳۹۳)، «تجلی حکمت صدرایی در معماری اسلامی»، خردنامه صدرا، ش ۷۷.
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۸۷)، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، تهران: سمت.



تبیین رابطه گنبد مسجد و مراتب هستی در حکمت متعالیه ۱۹۷

گنون، رنه (۱۳۸۱)، «معانی نمادین گنبد»، ترجمه فرزین فردانش، خیال، ش ۴.  
مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، تهران: صدرا.  
مقصودی، غلامرضا (۱۳۸۷)، *سیر تحول معماری مساجد و مصلایها از صدر اسلام تا کنون*، تهران: شهیدی.

نصر، سید حسین (۱۳۷۵)، *هنر و معنویت اسلامی*، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران: مؤسسه سوره.  
ورام، ابوالحسین (۱۳۹۰)، *مجموعه ورام*، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

هیلن برند، روبرت (۱۳۸۰)، *معماری اسلامی: شکل - کارکرد - معنی*، ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: روزنه.

